

نگاهی اقتصادی به نقشه جامع آموزش علوم پزشکی کشور

دکتر علی اکبر حق دوست*

استادیار گروه پزشکی اجتماعی دانشکده پزشکی افضلی پور، دانشگاه علوم پزشکی، کرمان، ایران

در حال حاضر نزدیک به ۵۰ مرکز آموزشی در سطح کشور به تربیت پزشک عمومی می‌پردازند. این در حالی است که در کشورهای پیشرفته‌ای مانند انگلستان با جمعیتی نزدیک به ایران و قدرت جذب بسیار بالای دانشجوی خارجی، تعداد دانشکده‌های پزشکی کمتر از ایران است و در وب سایت general medical council انگلستان، ۳۲ دانشگاه واجد شرایط تربیت دانشجوی پزشکی در مقطع عمومی شناخته شده‌اند (۴).

ضرورت امر در دو دهه گذشته ایجاب می‌نمود که برای افزایش تعداد متخصصین کشور به خصوص پزشکان و ارائه خدمت در مناطق محروم، سیاست گسترش دانشگاه‌ها با حدت و شدت پیگیری و اجرا گردد، ولی آیا این سیاست باید ادامه یابد؟ آیا با دور اندیشی و در نظر گرفتن مصالحه کلان کشور به زمانی نخواهیم رسید که در تربیت بعضی از رشته‌ها به یک سیاست تعدیل نیازمند شویم؟

در حال حاضر مشکل اصلی ایران در بعضی رشته‌ها کمبود تعداد متخصصین نیست، مشکل عدم توزیع مناسب آنها است و باور این که افزایش نیروی متقاضی کار خودبخود باعث تمایل بیشتر نیروها به کار در مناطق محروم می‌شوند اگرچه غیر واقعی نیست ولی نشان داده که کارایی محدودی دارد چراکه در شهرهای بزرگ، پزشکان بیکاری وجود دارند که بنا به ضرورت به کارهای غیر تخصصی روی آورده‌اند ولی حاضر به ارائه خدمت در مناطق محروم کشور حتی با درآمد بالا نیستند.

آیا می‌دانید که چه حجم از پزشکان و متخصصین آمریکایی و اروپایی از کشورهای در حال توسعه تأمین می‌شوند؟ برای چه حتی با استفاده از روش‌های کنترل از راه دور بسیاری از سفارشات کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی به کشورهای آسیای شرقی داده شده است؟ آیا واقعاً به اندازه کافی نیروی آماده به تحصیل در کشورهای پیشرفته وجود ندارد که متوسل به نیروی متخصص خارجی می‌شوند؟

پاسخ بسیار ساده است. آموزش باید صرفه اقتصادی داشته باشد. برای روان‌تر شدن موضوع، از ارائه اعداد ارقام بسیار و اشاره به منابع متعدد خودداری می‌گردد و فقط به چند نمونه گذرا اشاره می‌شود. تحلیل‌های اقتصادی نشان می‌دهد که هزینه سالیانه تربیت یک پزشک در دانشگاه ویرجینیای آمریکا برای یک دوره ۴ ساله بالغ بر ۳۵۷ هزار دلار (۱) و در دانشگاه تگزاس حدود ۱۵۰ هزار دلار برآورد شده است (۲). این در حالی است که هزینه آموزش پزشکی در تایلند حدود هفتاد هزار دلار است (۳). مروری بر مستندات و مقالات چاپ شده نشان می‌دهد که تفاوت‌های هزینه‌های آموزش پزشکی و البته در سایر رشته‌های علوم پزشکی بسیار متنوع بوده و حتی در یک کشور نیز از دانشگاهی به دانشگاه دیگر تغییر می‌کند.

پر واضح است که این هزینه در ایران کمتر از کشورهای پیشرفته است ولی مسلماً مقدار آن با توجه به درآمدهای ملی و جامعه ایرانی کماکان قابل توجه است. حتی اگر این هزینه ۱۰ درصد کشور آمریکا باشد باز نباید از آن به راحتی گذشت. اما آیا واقعاً ما در این زمینه عدد و رقم قابل قبولی داریم؟

تنها محاسبات سود و زیان نمی‌تواند مبنای تصمیم‌گیری شود. به عنوان مثال حتی در صورت غیراقتصادی بودن تربیت پزشک در یکی از شهرهای کوچک امکان حذف و یا کوچک سازی آن ممکن نیست؛ چراکه حذف آن برای مسئولین محلی و مردم به معنای تضعیف حقوق مسلم آنها محسوب می‌گردد. فلذا برای برنامه ریزی کلان آموزشی کشور باید نگاهی همه جانبه و عمیق و با در نظر گرفتن جوانب مخفی قضیه را داشت.

حداقل کاری که در این رابطه از عهده محققین و متفکرین آموزش پزشکی برمی‌آید برآورد هزینه‌های آموزش در دانشگاه‌های علوم پزشکی و بررسی عوامل مؤثر بر آن است. مسلماً این اطلاعات حتی اگر به صورت مستقیم در تصمیم‌گیری‌ها در کوتاه مدت مؤثر نباشد در دراز مدت خواهد توانست مدیریت بهتری را بر تصمیمات کلان آموزشی کشور حاکم نموده و در طراحی نقشه جامع علمی کشور بسیار مؤثر واقع گردد.

نگرانی که در این قضیه به جد قابل بیان است آن است که نقص مستندات در این خصوص و تقاضای فزاینده برای طراحی نقشه جامع علمی کشور از سوی مدیران ارشد کشور باعث گردد که در طراحی چنین نقشه‌ای، پژوهش مبنا قرار گیرد و باز نقش و اهمیت آموزش کم‌رنگ و حتی فراموش شود.

اما از زاویه دیگر تربیت انبوهی از متخصصین، هزینه سنگینی بر جامعه وارد می‌کند. چرا جامعه چنین هزینه سنگینی را متقبل گردد تا شاید گروه محدودی از فارغ‌التحصیلان برای کار به مناطق محروم روان شوند. آیا سیاست جایگزین وجود ندارد؟

واقعیت قضیه آن است که ما واقعا نمی‌دانیم هزینه تربیت یک پزشک در کشور چقدر است؟ و آیا بین هزینه تربیت پزشک در تهران با یکی از دانشگاه‌های تپ سه تفاوتی وجود دارد یا خیر؟ تا زمانی که چنین محاسباتی به صورت عینی در دسترس نباشند و به صورت منطقی برای تنظیم نقشه جامع علمی کشور برنامه‌ریزی نگردد، نمی‌توان ادعا نمود که از بودجه آموزشی کشور، بهینه استفاده می‌گردد.

مرور منابع حجم بسیار زیادی از مقالات و مستندات را آشکار می‌سازد که در خصوص اقتصاد آموزش، مدیریت منابع مالی در آموزش و برآورد هزینه‌های آموزش در سطح دنیا است ولی در این خصوص در کشور متأسفانه کارهای جدی و عمیق تقریباً به چشم نمی‌خورد و جستجوی بانک‌های اطلاعاتی داخل کشور مانند سایت SID با ترکیب انواع کلید واژه‌های رایج، حتی یک مقاله مرتبط نیز یافت نمی‌شود.

البته بعد دیگر قضیه یعنی فشارهای سیاسی و تقاضاهای مردم و مسئولین محلی نیز بسیار مهم است و بدیهی است که

منابع

1. Goodwin MC, Gleason WM, Kontos HA: A pilot study of the cost of educating undergraduate medical students at Virginia Commonwealth University. *Acad Med* 1997; 72(3):211-217.
2. Franzini L, Low MD, Proll MA: Using a cost-construction model to assess the cost of educating undergraduate medical students at the University of Texas--Houston Medical School. *Acad Med* 1997; 72(3):228-237.
3. Vimolket T, Kamol-Ratanakul P, Indaratna K: Cost of producing a medical doctor at Chulalongkorn University. *J Med Assoc Thai* 2003; 86(1):82-92.
4. <http://www.gmc-uk.org/education/undergraduate/index.asp>.

* نویسنده مسؤول: معاونت آموزشی، دانشگاه علوم پزشکی، چهار راه شفا، کرمان، ایران

• تلفن: ۰۳۴۱-۲۱۱۳۰۹ • شماره: ۰۳۴۱-۲۱۱۳۰۰۵

• Email: Ahaghdooost@kmu.ac.ir